

## کیفیت سود و معیارهای اندازه‌گیری آن

محمدحسین صفرزاده<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۱/۱۹

### چکیده

کیفیت سود یکی از واژگان حسابداری بوده که هیچ‌گونه اتفاق نظری درخصوص تعریف آن وجود ندارد. شیپر و وینسنت (۲۰۰۳)، کیفیت سود را به عنوان نزدیکی سود گزارش شده حسابداری به سود اقتصادی تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، نزدیکی بیشتر سود حسابداری به سود اقتصادی، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. اندازه‌گیری کیفیت سود بر مبنای تعریف فوق، سبب ایجاد مشکلاتی در عمل می‌گردد. علت آن است که بر اساس قواعد شناخت و اندازه‌گیری حسابداری نمی‌توان سود اقتصادی را مورد سنجش قرار داد. از آنجایی که سود اقتصادی قابل مشاهده نیست لذا امکان کمی‌سازی آن وجود ندارد. با توجه به دشواری موجود در تعریف عملیاتی کیفیت سود، از معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری این سازه استفاده شده است که مقاله حاضر به معرفی آنها می‌پردازد.

واژگان کلیدی: کیفیت سود، معیار اندازه‌گیری، سود حسابداری، سود اقتصادی

طبقه بندی JEL: M41

---

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: hosein470@gmail.com

### مقدمه

ادبیات کیفیت سود مملو از معیارهای مختلف برای اندازه‌گیری این مفهوم است. تعدد معیارها به گونه‌ای است که محققین مختلف، این معیارها را در چندین طبقه جای داده‌اند. به عنوان مثال فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) معیارهای کیفیت سود را به دو گروه کلی معیارهای مبتنی بر داده‌های بازار<sup>۱</sup> و معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری<sup>۲</sup> تقسیم کرده‌اند. گرنل و لندسمن (۲۰۰۳) معیارهای کیفیت سود را در سه دسته معیارهای مبتنی بر ارتباط ارزشی، معیارهای مبتنی بر محتوای اطلاعاتی و معیارهای مبتنی بر قابلیت پیش‌بینی جای داده‌اند. جوناس و بلانکت (۲۰۰۰) این معیارها را در دو گروه معیارهای مرتبط با نیازهای استفاده‌کنندگان (که بر مسائل مرتبط با ارزش‌گذاری تاکید دارند) و معیارهای مرتبط با حمایت از سرمایه‌گذاران (که بر مسائل مرتبط با مباشرت و حاکمیت شرکتی تاکید دارند) طبقه‌بندی می‌کنند.

شیر و وینسنت (۲۰۰۳) این معیارها را در قالب ۴ سرفصل به شرح زیر معرفی می‌کنند:

- معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود<sup>۳</sup>؛
- معیارهای برگرفته از رابطه بین سود، جریان‌های نقدی و ارقام تعهدی<sup>۴</sup>؛
- معیارهای مرتبط با خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری<sup>۵</sup>؛ و
- معیارهای مرتبط با تصمیمات اجرایی<sup>۶</sup>.

دچو و همکاران (۲۰۰۹) نیز این معیارها را در ۳ سرفصل به شرح زیر طبقه‌بندی می‌کنند:

- معیارهای مرتبط با خصوصیات سود؛
- معیارهای مرتبط با ضریب واکنش سود<sup>۷</sup>؛
- معیارهای خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی<sup>۸</sup>.

هر کدام از این طبقات، دربردارنده چندین جز می‌باشد که در این بخش به معرفی آنها می‌پردازیم. اما قبل از معرفی این معیارها ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. اول اینکه برخی از معیارهای کیفیت سود با بیش از یک سرفصل منطبق هستند. به عنوان مثال ارتباط ارزشی سود یکی از معیارهای کیفیت سود است که از نظر فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) در سرفصل معیارهای مبتنی بر بازار جای دارد اما از نظر دچو و همکاران (۲۰۰۹) این معیار در طبقه معیارهای مرتبط با ضریب واکنش سود گنجانده می‌شود. دوم اینکه ممکن است برخی از

معیارهای کیفیت سود با یکدیگر همپوشانی داشته باشند. سوم اینکه هریک از معیارهای کیفیت سود از زاویه‌ای متفاوت به اندازه‌گیری این مفهوم می‌پردازد لذا علیرغم وجود همپوشانی بین برخی از معیارها، ممکن است آن‌ها با یکدیگر ناسازگار باشند.

## معیارهای کیفیت سود

### ۱- معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود

الف) پایداری یا ثبات سود<sup>۹</sup>

به میزانی که سودهای گذشته بر روی سودهای آتی نگاشت می‌شوند، پایداری یا ثبات سود اطلاق می‌شود. به بیان بهتر، پایداری یا ثبات سود به معنای بادوام بودن<sup>۱۰</sup>، تکرارپذیری<sup>۱۱</sup> و دائم بودن<sup>۱۲</sup> سود در سال‌های آتی است. پایداری سود به شیوه گسترده‌تری نیز می‌تواند تعریف گردد به گونه‌ای که دِچو و همکاران (۲۰۰۹)، قابلیت پیش‌بینی سود (به عنوان یکی دیگر از معیارهای کیفیت سود) را در سرفصل پایداری سود مطرح می‌کنند و آن را به عنوان یک معیار مجزا مدنظر قرار نمی‌دهند. پایداری سود که از جمله معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری محسوب می‌شود<sup>۱۳</sup>، توسط بسیاری از محققین در سرفصل معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود گنجانده شده است.

پایداری یا ثبات سود، به شیوه‌های مختلف مورد سنجش قرار می‌گیرد. برخی محققین (از جمله گُرمندی و لایپ، ۱۹۸۷؛ ایستون و زیمجوسکی، ۱۹۸۹؛ کالینز و کوتاری، ۱۹۸۹)، از ضریب شیب مدل رگرسیون بازده بر روی سود و یا تغییرات آن به عنوان معیاری برای سنجش پایداری سود استفاده کرده‌اند. از نظر این محققین، بیشتر بودن ضریب شیب مدل، به معنای پایداری بیشتر سود، و در نتیجه باکیفیت‌تر بودن آن است. (به نقل از فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). بیان نمادین مدل موردنظر به صورت ذیل است:

$$RET_t = b_0 + b_1 E_t + b_2 \Delta E_t + \varepsilon_t$$

در مدل فوق؛  $RET_t$  بیانگر بازده سال  $t$ ،  $E_t$  سود خالص سال  $t$ ،  $\Delta E_t$  تغییر در سود خالص سال  $t$  نسبت به سال قبل، و  $\varepsilon_t$  خطای باقیمانده مدل برای سال  $t$  می‌باشد. معیار پایداری سود، ضریب شیب مدل (یعنی  $b_1$ ) بوده و بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

لایپ (۱۹۹۰)، پایداری سود را در قالب خودهمبستگی در سود<sup>۱۴</sup> تعریف نموده است. از نظر وی، ضریب شیب مدل، معیار خوبی برای سنجش پایداری سود نیست بلکه پایداری سود را باید در جزء اخلاص مدل و خودهمبستگی بین اجزای آن جستجو کرد. محققین اندکی برای اندازه گیری پایداری سود از شیوه‌های فوق استفاده نموده‌اند. عمده محققین (از جمله پنمن و ژانگ، ۲۰۰۲؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ جینگ، ۲۰۰۷)، از ضریب شیب مدل رگرسیون سود جاری بر روی سود باوقفه به عنوان معیاری برای سنجش پایداری سود استفاده نموده‌اند. بیشتر بودن این ضریب، بیانگر باثبات تر بودن سود، و در نتیجه کیفیت بیشتر سود است. بیان نمادین مدل مورد نظر به صورت زیر است:

$$E_t = b_0 + b_1 E_{t-1} + \varepsilon_t$$

در مدل فوق؛  $E_t$  بیانگر سود خالص یا سود هر سهم سال  $t$ ،  $E_{t-1}$  سود خالص یا سود هر سهم سال  $t-1$ ، و  $\varepsilon_t$  خطای باقیمانده مدل برای سال  $t$  می‌باشد. معیار پایداری سود، ضریب شیب مدل (یعنی  $b_1$ ) بوده و بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

سودهای باثبات می‌تواند موجب بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران گردد. از نظر سرمایه‌گذاران، سودهای باثبات، حالتی بادوام و پایدار دارند و همین مساله می‌تواند به آنها (به خصوص در ارزش‌گذاری‌ها) کمک کند. اما علیرغم اهمیت ثبات سود در بهبود تصمیم‌گیری، شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) عنوان می‌کنند که ممکن است سود یک شرکت با توجه به یک مدل خاص، باثبات تلقی گردد اما واقعاً این‌گونه نباشد. از نظر آن‌ها پایداری یا ثبات سودهای گزارش شده، تابعی از استانداردهای حسابداری و محیط عملیاتی واحد گزارشگر است. بکارگیری استانداردهای حسابداری در برخی محیط‌های اقتصادی می‌تواند منجر به ارائه سودهای ناپایدار (کم ثبات) گردد. همچنین دخالت مدیریت در فرایند گزارشگری مالی می‌تواند سبب تبدیل سودهای کم ثبات به باثبات شود.

(ب) قابلیت پیش‌بینی<sup>۱۵</sup>

قابلیت پیش‌بینی یکی از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری است که سبب بهبود مربوط بودن اطلاعات می‌گردد. مطالعه ادبیات موضوعی بیانگر آن است که قابلیت پیش‌بینی توسط بسیاری از محققین، به عنوان یکی از معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود معرفی شده است. برخی محققین (از جمله شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ جینگ، ۲۰۰۷) قابلیت پیش‌بینی را به عنوان یک معیار مجزای کیفیت سود در نظر می‌گیرند

اما برخی دیگر (از جمله دِچو و همکاران، ۲۰۰۹) قابلیت پیش‌بینی را در سرفصل پایداری سود مطرح می‌کنند. عده‌ای دیگر (از جمله باروا، ۲۰۰۶؛ ولوری، ۱۹۹۹) نیز، قابلیت پیش‌بینی را در یک سرفصل مجزا تحت عنوان معیارهای مرتبط با خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری جای می‌دهند. برخی بر این باورند که قابلیت پیش‌بینی به مجموعه گزارشگری مالی (شامل سود و اجزای آن) مرتبط است اما برخی دیگر (از جمله لایپ، ۱۹۹۰) به توانایی سودهای گذشته در پیش‌بینی سودهای آتی، قابلیت پیش‌بینی سود می‌گویند.

قابلیت پیش‌بینی نیز به شیوه‌های مختلف اندازه‌گیری می‌شود. این معیار کیفیت سود، در قالب توانایی سود در پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقدی آتی سنجیده می‌شود. در این راستا ۴ مدل در ادبیات موضوعی معرفی گردیده است.

این مدل‌ها به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) مدل پیش‌بینی سودهای آتی با استفاده از سودهای جاری
  - ۲) مدل پیش‌بینی سودهای آتی با استفاده از اجزای نقدی و تعهدی سودهای جاری
  - ۳) مدل پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی با استفاده از سودهای جاری
  - ۴) مدل پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی با استفاده از اجزای نقدی و تعهدی سودهای جاری
- در تمام این مدل‌ها، معیار قابلیت پیش‌بینی، انحراف معیار خطای باقیمانده مدل بوده که کمتر بودن آن بیانگر کیفیت بیشتر سود است.
- درخصوص مدل‌های استفاده شده جهت سنجش قابلیت پیش‌بینی (به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود)، سه ملاحظه تجربی باید مدنظر واقع شود. این موارد عبارتند از:
- الف) اگرچه قابلیت پیش‌بینی از نظر مفهومی به خوبی تعریف شده است اما در عملیاتی کردن آن لازم است چندین مورد مدنظر قرار گیرد. به عنوان مثال استفاده از عدد سود خالص برای پیش‌بینی سودهای آینده مناسب‌تر است یا استفاده از اعداد خلاصه کننده عملکرد (مثل سود هر سهم) از مناسبت بیشتری برخوردار است؟ آیا تنها سود می‌تواند به عنوان پیش‌بینی کننده سودهای آتی مطرح باشد یا اینکه اجزای سود نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند؟ آیا تنها از سود می‌توان برای پیش‌بینی سودهای آتی استفاده کرد؟ به عبارت دیگر، آیا متغیر مستقل فقط می‌تواند سود باشد؟

ب) دومین ملاحظه تجربی، انتخاب دوره زمانی است. از اطلاعات چند دوره زمانی باید برای پیش‌بینی استفاده نمود؟ آیا توانایی پیش‌بینی به دوره زمانی وابسته است؟ محققین معمولاً از پیش‌بینی‌های یکساله استفاده می‌کنند، اما هیچ مبنای نظری برای این انتخاب وجود ندارد.

پ) سومین ملاحظه عملی، انتخاب چیزی است که باید پیش‌بینی شود. آیا برای سنجش قابلیت پیش‌بینی باید تنها سودهای آتی را پیش‌بینی کرد؟ به عبارت دیگر، آیا متغیر وابسته فقط می‌تواند سود باشد؟ گزینه‌های احتمالی شامل سود خالص، جریان‌های نقدی، و اجزای مختلف سود است.

همانند پایداری سود، قابلیت پیش‌بینی نیز تابعی از استانداردهای حسابداری، عوامل اقتصادی و محیط عملیاتی واحد گزارشگر است. به عنوان مثال فعالیت‌های فصلی را به سادگی نمی‌توان پیش‌بینی کرد که علت آن به نوع فعالیت واحد مربوطه برمی‌گردد. در این گونه موارد ممکن است سود یک واحد از کیفیت بالایی برخوردار باشد علیرغم اینکه قابلیت پیش‌بینی بالایی ندارد. شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) معتقدند که بین پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود ممکن است تضاد وجود داشته باشد. در صورتی که انحراف معیار سری زمانی سود زیاد باشد، سودهای باثبات، از قابلیت پیش‌بینی بالایی برخوردار نخواهند بود. بنابراین سودهای باکیفیت (از منظر ثبات سود)، ممکن است از منظر قابلیت پیش‌بینی، باکیفیت قلمداد نگردند.

در برخی موارد، ارزیابی قابلیت پیش‌بینی توأم با پیچیدگی است. این موضوع، به‌خصوص در اقیانوس‌های زمانی کوتاه‌مدت سبب ایجاد مشکل می‌شود. نتایج تحقیقات بیانگر آن است که مداخله مدیریت در هموارسازی سود در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت بیشتر است. بنابراین ممکن است بین قابلیت پیش‌بینی و هموارسازی سود نیز تضاد وجود داشته باشد. هموارسازی سود باعث می‌شود که قابلیت پیش‌بینی سود افزایش یابد لذا سود از منظر قابلیت پیش‌بینی، باکیفیت قلمداد شده اما از منظر هموارسازی، باکیفیت نباشد.<sup>۱۶</sup>

پ) هموارسازی سود<sup>۱۷</sup>

رویکرد دیگر برای ارزیابی کیفیت سود، هموارسازی سود است که برخی محققین، از آن به تغییرپذیری<sup>۱۸</sup> تعبیر نموده‌اند. هموارسازی سود، یکی از معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود است (یک طبقه از معیارهای کیفیت سود که توسط شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) معرفی گردیده است، معیارهای مرتبط با تصمیمات اجرایی نام دارد. این طبقه دارای دو معیار کیفیت سود است که عبارتند از: ۱) برآوردها و قضاوت‌های موردنیاز به عنوان معیاری

معکوس برای کیفیت سود و ۲) دستکاری برآوردها و قضاوت‌ها به عنوان معیاری معکوس برای کیفیت سود. به نظر می‌رسد که معیار دستکاری برآوردها و قضاوت‌ها، با معیار هموارسازی سود همخوانی دارد). تغییرپذیری یا هموارسازی سود، به معنای وجود سودهای کم کیفیت است. محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، همواره دستخوش تغییرات است لذا مدیریت با استفاده از انتخاب‌های حسابداری، اقدام به هموارسازی سود نموده و بدین شیوه کیفیت سود را متاثر می‌سازد در ادبیات موضوعی، چندین روش برای سنجش هموارسازی سود (به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود) معرفی شده است<sup>۱۹</sup> که به شرح زیر می‌باشند:

لئوز و همکاران (۲۰۰۳) با استفاده از ۲ معیار، هموارسازی سود را اندازه‌گیری نمودند. معیار نخست، نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی است، که هر دو بر اساس کل دارایی‌ها تعدیل شده‌اند (لئوز و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که امکان دستکاری در سود عملیاتی در مقایسه با جریان نقد عملیاتی بیشتر است. هر اندازه که انحراف معیار سود عملیاتی کمتر باشد، احتمال هموارسازی سود بیشتر بوده و در نتیجه، سودهای مربوطه از کیفیت بالایی برخوردار نخواهند بود). نسبت‌های کوچکتر، بیانگر هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است. معیار دوم نیز استفاده از همبستگی بین تغییرات در اقلام تعهدی و تغییرات در جریان‌های نقدی است. همبستگی منفی نشان دهنده هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است.

هانت و همکاران (۲۰۰۰) از طریق نسبت انحراف معیار سود خالص غیراختیاری<sup>۲۰</sup> (که معادل با حاصل جمع جریان نقد عملیاتی و اقلام تعهدی غیراختیاری است) به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی، که هر دو بر اساس کل دارایی‌ها تعدیل شده‌اند، هموارسازی سود را سنجیده‌اند. نسبت‌های کوچکتر، بیانگر هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است. مدیران معتقدند که سرمایه‌گذاران، سودی را ترجیح می‌دهند که به طور یکنواخت افزایش یابد. در راستای تامین نیاز سرمایه‌گذاران، مدیران می‌توانند اجزای موقتی را در سری زمانی سود بگنجانند. گنجانیدن اجزای موقت در سری زمانی سود، پایداری سود را کاهش می‌دهد، تغییرپذیری سری زمانی را کاهش می‌دهد، اما از سوی دیگر قابلیت پیش‌بینی را افزایش می‌دهد (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳). بنابراین ملاحظه می‌شود که سود شرکت از منظر پایداری و هموارسازی، کم کیفیت بوده اما از منظر قابلیت پیش‌بینی، با کیفیت قلمداد می‌گردد.

ت) مقایسه با شاخص<sup>۲۱</sup>

معیار مقایسه با شاخص، تنها توسط دِچو و همکاران (۲۰۰۹) معرفی گردیده و در سرفصل معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود گنجانده شده است (به نظر می‌رسد که معیار دستکاری برآوردها و قضاوت‌ها (معرفی شده توسط شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳) با معیار مقایسه با شاخص همخوانی دارد. همچنین باروا (۲۰۰۶) برای اندازه‌گیری بی‌طرفی اطلاعات از معیار مقایسه با شاخص استفاده نموده است. در اینجا از تفاوت‌های جزئی مثبت بین سود گزارش شده و هرگونه شاخص، به عنوان معیار کیفیت سود استفاده می‌شود. هاین (۱۹۹۵) و بورگ استالر و دیچف (۱۹۹۷) عنوان می‌کنند که در توزیع سودهای گزارش شده در حوالی صفر، تعداد اندکی از شرکت‌ها دارای زیان‌های جزئی بوده و تعداد زیادی از شرکت‌ها دارای سودهای جزئی هستند. یکی از تفسیرهایی که در خصوص این الگو وجود دارد این است که شرکت‌هایی که سود آنها در حوالی صفر (به عنوان یک شاخص) قرار دارد، سود خود را مدیریت نموده تا یک سود جزئی<sup>۲۲</sup> گزارش نمایند.

وجود سود جزئی (یا اجتناب از یک زیان جزئی) می‌تواند نشان‌دهنده مدیریت سود باشد. همچنین براساس یافته‌های بورگ استالر و دیچف (۱۹۹۷)، افزایش‌های جزئی در سود، می‌تواند به معنای مدیریت سود باشد. دِچو و همکاران (۲۰۰۳) نیز دستیابی به پیش‌بینی تحلیل گران<sup>۲۳</sup> را نشانه مدیریت سود می‌دانند. ملاحظه می‌شود که بین مقایسه با شاخص و هموارسازی سود (به عنوان دو معیار کیفیت سود) ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

## ۲- معیارهای برگرفته از رابطه بین سود، جریان‌های نقدی و ارقام

## تعهدی

معیارهای معرفی شده در این سرفصل، از رابطه بین اجزای نقدی و تعهدی سود ناشی شده‌اند. تنوع معیارهای این سرفصل بسیار زیاد است. دِچو و همکاران (۲۰۰۹) عنوان می‌کنند که بخش عمده معیارهای استفاده شده در ادبیات موضوعی برای اندازه‌گیری کیفیت سود، متعلق به این سرفصل می‌باشند. تمام این معیارها بر اساس این ایده شکل گرفته‌اند که برخی از اجزای تعهدی سود، سبب کاهش کیفیت سود می‌شود در حالی که جزء نقدی سود، افزایش کیفیت سود را در پی دارد (کل جزء تعهدی سود، کاهنده کیفیت سود نیست. لذا در تعیین



معیارهای کیفیت سود که مرتبط با اقلام تعهدی هستند باید بین اجزای تعهدی که کاهنده کیفیت سود بوده و اجزایی که کاهنده کیفیت سود نیستند، تفاوت قائل شد).

الف) نسبت جریان‌های نقدی حاصل از عملیات به سود<sup>۲۴</sup>

در این معیار، کیفیت سود بر اساس فرض قرابت به نقد<sup>۲۵</sup> تعریف می‌شود. براساس فرض قرابت به نقد، نقدی‌تر بودن سود به معنای باکیفیت‌تر بودن آن است. هریس و همکاران (۲۰۰۰) و پنمن (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که نسبت جریان نقد حاصل از عملیات به سود، ساده‌ترین شکل ممکن برای بیان رابطه فوق است. بیشتر بودن نسبت جریان نقد حاصل از عملیات به سود، به معنای باکیفیت‌تر بودن سود است. جدای از در نظر گرفتن رابطه نسبتاً قوی بین سود و جریان نقد حاصل از عملیات، این نسبت به دستکاری احتمالی جریان نقد حاصل از عملیات نیز حساس می‌باشد (جریان نقد حاصل از عملیات در مقایسه با اقلام تعهدی از قابلیت دستکاری کمتری برخوردار است. به عبارت دیگر، جریان نقد حاصل از عملیات از عینیت بیشتری برخوردار است. اما این بدین معنا نیست که جریان نقد حاصل از عملیات را نمی‌توان دستکاری نمود) (شپیر و وینسنت، ۲۰۰۳).

سایر معیارهای برگرفته از رابطه بین سود، جریان نقد و اقلام تعهدی، با فرض قرابت به نقد ارتباط ندارند. در این معیارها، تاکید اصلی بر اقلام تعهدی است. همان‌گونه که قبلاً عنوان گردید، اقلام تعهدی سبب کاهش کیفیت سود می‌شوند از آنجایی که جزء تعهدی سود در مقایسه با جزء نقدی آن، از احتمال دستکاری بیشتری برخوردار است، لذا معیارهای مرتبط با اقلام تعهدی با هموارسازی سود نیز در ارتباطند به گونه‌ای که هر دو گروه این معیارها، با کیفیت سود رابطه معکوس دارند. در ادامه، به معرفی این معیارها پرداخته می‌شود.

ب) تغییر در کل اقلام تعهدی<sup>۲۶</sup>

تغییر در کل اقلام تعهدی، شیوه ساده‌ای برای سنجش کیفیت سود است. شپیر و وینسنت (۲۰۰۳) بیان می‌کنند مادامی که بخشی از اقلام تعهدی دستکاری نشود و در طول زمان تغییر نکند (ثابت بماند)، تغییر در کل اقلام تعهدی، دستکاری‌های مدیریت را اندازه‌گیری نموده و معیاری معکوس از کیفیت سود ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، هر اندازه که تغییر در کل اقلام تعهدی بیشتر باشد، احتمال دستکاری مدیریت بیشتر بوده و در نتیجه، کیفیت سود کمتر خواهد بود.

پ) کیفیت اقلام تعهدی<sup>۲۷</sup>

کیفیت اقلام تعهدی، به میزان تبدیل (تحقق) اقلام تعهدی به جریان‌های نقد آتی اطلاق می‌گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). این معیار کیفیت سود، توسط بسیاری از محققین در سرفصل معیارهای برگرفته از ارتباط بین سود، جریان نقد و اقلام تعهدی گنجانده شده است. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) عنوان می‌کنند که این معیار، از جمله معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری است. دِچو و همکاران (۲۰۰۹) نیز این معیار را در سرفصل معیارهای حاصل از خصوصیات سری زمانی سود جای داده‌اند. کیفیت اقلام تعهدی ارتباط نزدیکی با هموارسازی سود دارد به گونه‌ای که بسیاری از مدل‌های استفاده شده جهت سنجش کیفیت اقلام تعهدی، برای اندازه‌گیری هموارسازی سود نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مدل‌های استفاده شده در ادبیات موضوعی جهت سنجش کیفیت اقلام تعهدی بسیار متنوع‌اند. این مدل‌ها را می‌توان در دو دسته کلی جای داد:

در دسته اول، اقلام تعهدی به اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری تقسیم می‌شوند. در این مدل‌ها فرض می‌شود اقلام تعهدی غیراختیاری در طول زمان ثابت بوده و در معرض دستکاری مدیریت قرار نمی‌گیرند. ضمناً این اقلام را می‌توان با استفاده از برخی متغیرهای حسابداری پیش‌بینی نمود. شیپر و وینسنت (۲۰۰۳)، این رویکرد را برآورد مستقیم اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از متغیرهای بنیادی حسابداری<sup>۲۸</sup> نام نهاده‌اند. در این رویکرد، جزء خطا (خطای پیش‌بینی) مدل رگرسیون مجموع اقلام تعهدی (یا برخی از اقلام تعهدی خاص) بر روی متغیرهای حسابداری، بیانگر مدیریت سود بوده و به عنوان معیاری معکوس از کیفیت سود قلمداد می‌شود. این معیار در مقایسه با معیار تغییر در کل اقلام تعهدی، تغییرات دوره به دوره در متغیرهای حسابداری را مجاز دانسته و فرض می‌کند که این متغیرها به خودی خود دستکاری نمی‌شوند. مدل هیلی (۱۹۸۵)، مدل دی‌آنجلو (۱۹۸۶)، مدل دِچو و اسلوتن (۱۹۹۱)، مدل جونز (۱۹۹۱)، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) و مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) نمونه‌هایی از مدل‌هایی هستند که در این دسته جای می‌گیرند<sup>۲۹</sup>.

برخی از محققین عنوان می‌کنند که تفکیک اقلام تعهدی به اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری و تعیین متغیرهای حسابداری جهت پیش‌بینی اقلام تعهدی غیراختیاری با مشکلاتی مواجه است. در راستای رفع این مشکلات، دسته دیگری از مدل‌ها توسط محققین معرفی گردیده است که اقلام تعهدی را به صورت مجموع مورد توجه قرار می‌دهند. شیپر و وینسنت

(۲۰۰۳)، این رویکرد را برآورد مستقیم روابط بین اقلام تعهدی و نقد<sup>۳۰</sup> نام نهاده‌اند. مدل دچو و دیچف (۲۰۰۲) و مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲) نمونه‌هایی از مدل‌هایی هستند که در این دسته جای می‌گیرند.

بیان نمادین مدل دچو و دیچف (۲۰۰۲) به صورت زیر است:

$$\Delta WC_t = b_0 + b_1 CFO_{t-1} + b_2 CFO_t + b_3 CFO_{t+1} + \varepsilon_t$$

در مدل فوق؛  $\Delta WC_t$  بیانگر تغییر در سرمایه در گردش سال  $t$  نسبت به سال قبل،  $CFO_{t-1}$  جریان نقد عملیاتی سال  $t-1$ ،  $CFO_t$  جریان نقد عملیاتی سال  $t$ ،  $CFO_{t+1}$  جریان نقد عملیاتی سال  $t+1$ ، و  $\varepsilon_t$  خطای باقیمانده مدل برای سال  $t$  می‌باشد. جزء خطای این مدل، بیانگر خطای برآورد کل اقلام تعهدی بوده و معیاری معکوس از کیفیت سود قلمداد می‌گردد.

مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲) که تعدیل یافته مدل دچو و دیچف (۲۰۰۲) می‌باشد، نیز در زمره مدل‌های دسته دوم جای دارد. بیان نمادین این مدل به صورت زیر است:

$$\Delta WC_t = b_0 + b_1 CFO_{t-1} + b_2 CFO_t + b_3 CFO_{t+1} + b_4 \Delta Sales_t + b_5 PPE_t + \varepsilon_t$$

در مدل فوق؛  $\Delta WC_t$  بیانگر تغییر در سرمایه در گردش سال  $t$  نسبت به سال قبل،  $CFO_{t-1}$  جریان نقد عملیاتی سال  $t-1$ ،  $CFO_t$  جریان نقد عملیاتی سال  $t$ ،  $CFO_{t+1}$  جریان نقد عملیاتی سال  $t+1$ ،  $\Delta Sales_t$  تغییر در فروش سال  $t$  نسبت به سال قبل،  $PPE_t$  اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات برای سال  $t$ ، و  $\varepsilon_t$  خطای باقیمانده مدل برای سال  $t$  می‌باشد (کلیه متغیرهای مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲) براساس کل دارایی‌ها تعدیل شده‌اند). معیار کیفیت اقلام تعهدی، انحراف معیار خطای باقیمانده مدل مذکور بوده و کمتر بودن این عدد، بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

### ۳- معیارهای مرتبط با خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری

خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری، سبب سودمندی اطلاعات جهت تصمیم‌گیری می‌شود. از این خصوصیات کیفی می‌توان به عنوان معیارهایی برای ارزیابی کیفیت سود استفاده نمود. شپیر و وینسنت (۲۰۰۳) عنوان می‌کنند که تعریف کیفیت گزارشگری مالی در قالب مربوط بودن، قابلیت اتکا و قابلیت مقایسه - به خصوص در هنگام ارزیابی مجزای هر یک از اجزای خصوصیات کیفی - به لحاظ تجربی با مشکل مواجه است. این خصوصیات با

یکدیگر ارتباط متقابلی ندارند و لزوماً با هم سازگار نیستند و معمولاً نمی‌توان آنها را به صورت مجزا اندازه‌گیری کرد (اندازه‌گیری مجزای اجزای خصوصیات کیفی در مواقعی که بین خصوصیات کیفی توازن ایجاد شده باشد، سبب بروز مشکل خواهد شد. در چنین مواردی نمی‌توان مشخص نمود هنگامی که یک خصوصیت کیفی فدای دیگری می‌شود، کیفیت سود چگونه تحت تاثیر قرار می‌گیرد). استفاده از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری به عنوان معیار کیفیت سود، مورد توجه محققین زیادی قرار نگرفته و تنها چند مطالعه در این خصوص انجام شده است که از آن جمله می‌توان به مطالعه ولوری (۱۹۹۹) و باروا (۲۰۰۶) اشاره نمود. در ادامه تعدادی از شیوه‌های عملیاتی نمودن اجزای خصوصیات کیفی معرفی می‌شود.

#### الف) ارزش پیش‌بینی<sup>۳۱</sup>

ارزش پیش‌بینی یکی از خصوصیات کیفی است که به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند تا احتمال پیش‌بینی صحیح پیامد رویدادهای فعلی یا گذشته را افزایش دهند. برخی محققین، این معیار کیفیت سود را قابلیت پیش‌بینی نام‌گذاری کرده و آن را در سرفصل معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود جای داده‌اند. شیوه‌های اندازه‌گیری ارزش پیش‌بینی، مشابه با شیوه‌های اندازه‌گیری قابلیت پیش‌بینی است.

#### ب) ارزش بازخورد<sup>۳۲</sup>

ارزش بازخورد یکی از خصوصیات کیفی است که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا انتظارات قبلی خود را تصحیح یا تصدیق نمایند. باروا (۲۰۰۶) با استفاده از توانایی سود سال جاری در تغییر پیش‌بینی سود سال آتی، ارزش بازخورد سود را عملیاتی نموده است. براساس مدل مذکور، ارزش بازخورد منفی، معیاری معکوس از کیفیت سود می‌باشد در حالی که ارزش بازخورد مثبت، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. همچنین ولوری (۱۹۹۹) با استفاده از نسبت درصد تغییر در قیمت به درصد تغییر در سود، ارزش بازخورد را اندازه‌گیری نموده است. اگر نسبت محاسبه شده کمتر یا مساوی صفر باشد، ارزش بازخورد سود منفی بوده و به عنوان معیاری معکوس از کیفیت سود قلمداد می‌شود. در صورتی که نسبت محاسبه شده کمتر از یک باشد، ارزش بازخورد سود محدود خواهد بود. اما اگر نسبت محاسبه شده بزرگتر یا مساوی یک باشد، ارزش بازخورد سود مثبت بوده که این موضوع بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

پ) به موقع بودن

به موقع بودن بدین معناست که قبل از اینکه اطلاعات ظرفیت تاثیرگذاری خود بر تصمیم‌گیری را از دست بدهد، در اختیار فرد تصمیم‌گیرنده قرار گیرد. در برخی از مطالعات، از محتوای اطلاعاتی سود<sup>۳۳</sup> به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود یاد شده است که برای عملیاتی نمودن این معیار از به موقع بودن استفاده شده است. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴)، به موقع بودن را در سرفصل معیارهای مرتبط با بازار طبقه‌بندی می‌کنند. برخی دیگر از محققین نیز این معیار کیفیت سود را به سرفصل معیارهای برگرفته از خصوصیات سری زمانی سود ارتباط می‌دهند (دِچو و همکاران، ۲۰۰۹). به موقع بودن اطلاعات به صورت مجزا مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و معمولاً در کنار محافظه‌کاری<sup>۳۴</sup> (به عنوان یکی دیگر از معیارهای کیفیت سود) مدنظر واقع می‌شود. بال و همکاران (۲۰۰۰)، از ترکیب به موقع بودن و محافظه‌کاری، معیاری دیگر برای کیفیت سود معرفی نموده و آن را شفافیت نامگذاری کرده‌اند. براساس ادبیات موضوعی، به موقع بودن سود به کمک چند روش مورد سنجش قرار گرفته است. ولوری (۱۹۹۹) عنوان می‌کند که شکاف ایجاد شده بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ ارائه اطلاعات، ساده‌ترین شیوه برای اندازه‌گیری به موقع بودن سود است. هر اندازه که شکاف ایجاد شده بیشتر باشد، کیفیت سود گزارش شده کمتر خواهد بود. رایج‌ترین معیار استفاده شده جهت سنجش به موقع بودن، مدل بیسو (۱۹۹۷) است. بیان نمادین این مدل به صورت زیر است:

$$E_t = b_0 + b_1 NEG_t + b_2 RET_t + b_3 NEG_t \cdot RET_t + \varepsilon_t$$

در مدل فوق؛  $RET_t$  بیانگر میانگین بازده سال  $t$ ،  $E_t$  سود خالص سال  $t$ ، و  $\varepsilon_t$  خطای باقیمانده مدل برای سال  $t$  می‌باشد. در صورتی که  $RET_t$  کمتر از صفر باشد،  $NEG_t$  برابر با یک خواهد بود و در غیر این صورت  $NEG_t$  برابر با صفر است. معیار به موقع بودن، توان توضیح‌دهندگی مدل بوده و طبعاً بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

**محافظه‌کاری سود** همان‌گونه که قبلاً عنوان شد، محافظه‌کاری نیز یکی از معیارهای کیفیت سود بوده که معمولاً در کنار به موقع بودن مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>۳۵</sup> برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری (به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود) مدل‌های متعددی وجود دارد. اما معمولاً برای اندازه‌گیری آن از مدل بیسو (۱۹۹۷) استفاده می‌شود با این تفاوت که معیار محافظه‌کاری، با معیار به موقع بودن متفاوت است. معیار محافظه‌کاری سود، نسبت ضریب

اخبار بد به ضریب اخبار خوب در رگرسیون سود بر روی بازده (یعنی  $[b_2 + b_3]/b_2$ ) بوده و بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

ت) ارائه صادقانه

ارائه صادقانه به تطابق یا توافق بین یک معیار و پدیده‌ای که مدعی بیان آن است، اطلاق می‌شود. ارائه صادقانه، یکی از اجزای قابلیت اتکای اطلاعات است. ولوری (۱۹۹۹) با استفاده از نسبت درصد تغییر در جریان نقد عملیاتی به درصد تغییر در سود عملیاتی، ارائه صادقانه سود را اندازه‌گیری نموده است. در این معیار فرض بر آن است هر اندازه که تغییرات سود با تغییرات جریان نقد عملیاتی ارتباط بیشتری داشته باشد، سودهای مربوطه از کیفیت بالاتری برخوردارند. به عبارت دیگر، هرچه نسبت مذکور بیشتر باشد، سود با کیفیت تر است.

ث) بی طرفی

بی طرفی به معنای عدم سوگیری اطلاعات گزارش شده برای دستیابی به یک نتیجه از پیش تعیین شده و یا القای یک رفتار خاص است. اگر مدیریت، سود را صادقانه گزارش کند، آنگاه سود، عاری از سوگیری و تعصب خواهد بود. ولوری (۱۹۹۹) از اندازه اقلام تعهدی اختیاری به عنوان جایگزینی برای بی طرفی اطلاعات استفاده می‌نماید. هر اندازه که اندازه اقلام تعهدی اختیاری بیشتر باشد، احتمال مدیریت سود بیشتر بوده و در نتیجه بی طرفی در ارائه اطلاعات کمتر خواهد بود. باروا (۲۰۰۶) نیز با استفاده از سود هر سهم دوره جاری و دوره قبل، بی طرفی در ارائه اطلاعات را اندازه‌گیری نموده است. شیوه ارائه شده برای اندازه‌گیری بی طرفی اطلاعات، مشابه با معیار مقایسه با شاخص می‌باشد که توسط دِچو و همکاران (۲۰۰۹) معرفی گردیده است.

ج) قابلیت تایید

به اجماع بین معیارها برای حصول اطمینان از اینکه اطلاعات، ارائه‌کننده چیزی است که مدعی بیان آن می‌باشد، قابلیت تایید اطلاق می‌شود. قابلیت تایید، یکی از اجزای قابلیت اتکای اطلاعات است. ولوری (۱۹۹۹) عنوان می‌کند که اظهارنظر حسابرس می‌تواند نماینده قابلیت تایید اطلاعات باشد. طبعاً وجود بندهای بیشتر در گزارش حسابرس، از قابلیت تایید اطلاعات می‌کاهد. باروا (۲۰۰۶)، ارائه صادقانه و قابلیت تایید اطلاعات را از هم جدا نمی‌کند و معیارهای مشترکی را برای اندازه‌گیری این خصوصیات کیفی معرفی می‌نماید. این معیارها به سه دسته (شامل اقلام تعهدی غیرعادی<sup>۳۶</sup>، اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیرعادی<sup>۳۷</sup>، و

خطای پیش‌بینی اقلام تعهدی<sup>۳۸</sup> طبقه‌بندی شده‌اند. معیارهای معرفی شده توسط باروا (۲۰۰۶) ارتباط نزدیکی با هموارسازی سود و معیارهای برگرفته از ارتباط بین سود، جریان نقد و اقلام تعهدی دارند.

#### چ) قابلیت مقایسه

یکی دیگر از خصوصیات کیفی اطلاعات، قابلیت مقایسه است که به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند تا وجوه تشابه و تمایز بین دو پدیده اقتصادی را تعیین نمایند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، چگونگی تعیین شباهت بین دو قلم است تا درخصوص آنها از رویه‌ای یکسان استفاده گردد. شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که هیچ رویکردی برای اندازه‌گیری رویدادها و مبادلات مشابه وجود ندارد. این موضوع کاملاً قضاوتی است و هیچ‌گونه معیاری برای عملیاتی کردن قابلیت مقایسه در ادبیات موضوعی معرفی نشده است.

#### ۴- برآوردها و قضاوت‌ها - معیاری معکوس برای کیفیت سود<sup>۳۹</sup>

این معیار کیفیت سود، توسط شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) تحت سرفصل معیارهای مرتبط با تصمیمات اجرایی معرفی گردیده است. محققین اذعان دارند که استانداردهای گزارشگری مالی در راستای بهبود مربوط بودن اطلاعات، شناسایی سریع‌تر رویدادهای اقتصادی را الزامی نموده‌اند. الزام به شناسایی سریع‌تر رویدادهای مالی در وضعیت‌های پیچیده اقتصادی، باعث می‌شود که از دقت پیش‌بینی تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی کاسته شود و خطای قضاوتی آن‌ها افزایش یابد. به عبارت دیگر، خطای اندازه‌گیری وارد فرایند گزارشگری مالی شود. بنابراین می‌توان گفت که بین پیش‌بینی و قضاوت در گزارشگری مالی از یک سو و کیفیت سود از سوی دیگر رابطه معکوسی وجود دارد.

#### ۵- ارتباط ارزشی سود<sup>۴۰</sup>

به توانایی سود در توضیح بازده، ارتباط ارزشی سود اطلاق می‌گردد. به عبارت دیگر، هر اندازه که سود از توانایی بیشتری در توضیح بازده برخوردار باشد، ارتباط ارزشی آن بیشتر می‌باشد. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) ارتباط ارزشی سود را در سرفصل معیارهای مرتبط با بازار قرار می‌دهند. از نظر آن‌ها معیار ارتباط ارزشی سود دربردارنده خصوصیات کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکا می‌باشد. ایگر و همکاران (۲۰۰۶) برای اندازه‌گیری کیفیت سود از یک رویکرد مبتنی بر بازده استفاده می‌نمایند. دِچو و همکاران (۲۰۰۹) از عنوان دیگری تحت

عنوان ضریب واکنش سود به جای ارتباط ارزشی سود استفاده می‌نمایند. این در حالی است که شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) ارتباط ارزشی سود را به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود مدنظر قرار نمی‌دهند. در برخی از مطالعات نیز، از محتوای اطلاعاتی سود به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود یاد شده است اما در عملیاتی نمودن این معیار از ارتباط ارزشی سود استفاده شده است.

سابقه ارتباط ارزشی به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود به سال ۱۹۶۸ بر می‌گردد. قبل از بال و براون (۱۹۶۸)، تحقیقات آکادمیک حسابداری، کیفیت سود را از طریق تطابق با چارچوب نظری یا سیستم اندازه‌گیری یکنواخت مورد سنجش قرار می‌دادند. بال و براون (۱۹۶۸) و یور (۱۹۶۸) در مطالعات خود شیوه ارزیابی کیفیت سود را تغییر دادند. آنها نشان دادند که اخبار سود می‌تواند با برخی خصوصیات بازار سرمایه (از جمله بازده، نوسان‌پذیری تغییرات در حوالی تاریخ اعلام سود و حجم معاملات) دارای همبستگی باشد. بنابراین، با توجه به نتایج این تحقیقات، شگفت‌انگیز نیست که ضریب واکنش سود، به عنوان معیاری برای سودمندی در تصمیم یا کیفیت سود مدنظر واقع شود (به نقل از دچو و همکاران، ۲۰۰۹).

سنجش ارتباط ارزشی سود توسط محققین زیادی مورد توجه قرار گرفته است. بخش عمده تحقیقات انجام شده برای سنجش ارتباط ارزشی سود، از رگرسیون بازده بر روی سود و تغییرات آن استفاده نموده‌اند. بیان نمادین این مدل به صورت زیر است:

$$RET_t = b_0 + b_1 E_t + b_2 \Delta E_t + \varepsilon_t$$

در مدل فوق؛  $RET_t$  بیانگر میانگین بازده سال  $t$ ،  $E_t$  سود خالص سال  $t$ ،  $\Delta E_t$  تغییر در سود خالص سال  $t$  نسبت به سال قبل،  $\varepsilon_t$  خطای باقیمانده مدل برای سال  $t$ ، و  $b_1$  ضریب واکنش سود می‌باشد. معیار ارتباط ارزشی سود، توان توضیح‌دهندگی مدل بوده و بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

## ۶- معیارهای خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی

دچو و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود به معرفی ۳ معیار خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی (شامل؛ دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای حسابداری و حسابرسی کمیسیون بورس و اوراق بهادار<sup>۴۱</sup>، موارد تجدید آرائه، و کنترل‌های داخلی) پرداخته‌اند. این معیارها دارای دو مشخصه اصلی هستند. اول اینکه، در این معیارها برای تعیین کیفیت سود از



خصوصیات سود استفاده نمی‌شود بلکه به شواهدی از منابع بیرونی (مثل کمیسیون بورس و اوراق بهادار، مدیریت شرکت، یا حسابرس) اتکا می‌شود. دوم اینکه، این معیارها فراهم کننده اطلاعاتی درخصوص کیفیت صورت‌های مالی (نه فقط سود) می‌باشند.

#### الف) دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای حسابداری و حسابرسی

کمیسیون بورس و اوراق بهادار، پس از تکمیل فرایند بررسی، اقدام به انتشار دستورالعمل‌های حسابداری و حسابرسی نموده که رعایت آنها توسط شرکت‌ها، مدیران شرکت‌ها و حساب‌رسان الزامی است. شرکت‌ها، مدیران، و حساب‌رسانی که از الزامات تعیین شده تخلفی نمایند، متخلف محسوب می‌شوند. دِچو و همکاران (۲۰۰۹) ارائه بیش از واقع درآمد، موجودی کالا، و سایر دارایی‌ها را از جمله مهمترین تخلفات شرکت‌ها می‌دانند. در بسیاری از موارد، کمیسیون بورس و اوراق بهادار، مدیران شرکت‌ها را به ارائه نادرست صورت‌های مالی متهم می‌کند. در هر صورت، تخلفی از این دستورالعمل‌ها با انگیزه‌های متعدد صورت می‌گیرد که مدیریت سود از جمله مهمترین این انگیزه‌هاست و سودهای مدیریت شده از کیفیت بالایی برخوردار نیستند.

#### ب) موارد تجدید ارائه

تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز می‌تواند بیانگر ابهام درخصوص سود سال‌های گذشته و در نتیجه کیفیت پایین آنها باشد. تجدید ارائه سود، ارتباط نزدیکی با دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای حسابداری و حسابرسی دارد به گونه‌ای که برخی محققین اذعان دارند که انتشار این دستورالعمل‌ها، در راستای جلوگیری از تجدید ارائه سود می‌باشد. این معیار کیفیت سود از چند منظر با معیار قبل متفاوت است. اول اینکه، تعداد شرکت‌هایی که اقدام به تجدید ارائه می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که از دستورالعمل‌های کمیسیون بورس و اوراق بهادار تخلفی می‌کنند، بسیار بیشتر است. دوم اینکه، دامنه ارائه نادرست برای شرکت‌هایی که اقدام به تجدید ارائه می‌کنند، بسیار متنوع‌تر است. سوم اینکه، بسیاری از موارد تجدید ارائه، ناشی از اشتباه در بکارگیری قواعد حسابداری (نه ارائه نادرست عمدی) هستند. تجدید ارائه نیز با انگیزه‌های متعدد صورت می‌گیرد که پاداش مدیریت و دستیابی به شرایط مندرج در قراردادهای بدهی از آن جمله است. تجدید ارائه سود نیز می‌تواند نشانه مدیریت سود باشد و سودهای مدیریت شده از کیفیت بالایی برخوردار نیستند.

## پ) کنترل‌های داخلی

بر اساس بخش ۳۰۲ قانون سرینیز آکسلی (۲۰۰۲)، مدیریت ملزم به تایید اثربخشی فرایندهای کنترل داخلی شرکت در قالب فرم‌های 10-Q و 10-K می‌باشد. بخش ۴۰۴ قانون سرینیز آکسلی که از سال ۲۰۰۴ لازم الاجرا گردید نیز مدیریت شرکت را ملزم به ارزیابی اثربخشی ساختار کنترل داخلی، ارائه آن در گزارش سالانه شرکت، و اظهار نظر حسابرس در خصوص آن می‌کند. قبل از این گزارش‌ها، شرکت‌ها ملزم به افشای نقاط ضعف عمده کنترل‌های داخلی (تنها در هنگام تغییر حسابرس) بودند. نتایج بسیاری از مطالعات انجام شده حاکی از آن است که ضعف در کنترل‌های داخلی با سود شرکت در ارتباط بوده و آن را نشانه وجود سودهای کم کیفیت معرفی می‌کنند.

## پی نوشت

- |  |   |
|--|---|
| ۱- Market Based Earnings Attributes  | ۲۲- Small Profit  |
| ۲- Accounting Based Earnings Attributes  | ۲۳- Meeting or Beating Analysts Forecast  |
| ۳- Constructs Derived from Time Series Properties of Earnings                  | ۲۴- Ratio of Cash from Operations to Income   |
| ۴- Constructs Derived from the Relations among Income, Cash and Accruals       | ۲۵- Closeness-to-Cash   |
| ۵- Constructs Related to Qualitative Characteristics of Accounting Information | ۲۶- Changes in Total Accruals   |
| ۶- Constructs Derived from Implementation Decisions                            | ۲۷- Accrual Quality   |
| ۷- Earnings Response Coefficients (ERCs)                                       | ۲۸- Direct Estimation of Abnormal (Discretionary) Accruals Using Accounting Fundamentals  |
| ۸- External Constructs of Financial Reporting Quality                          | ۲۹- از آنجا که در ادبیات موضوعی از این مدل‌ها بیشتر برای اندازه‌گیری هموارسازی سود استفاده شده است، لذا به معرفی بیشتر این مدل‌ها پرداخته نشده است. |
| ۹- Earnings Persistence  | ۳۰- Direct Estimation of Accruals-to-Cash Relations   |
| ۱۰- Sustainability   | ۳۱- Predictive Value  |
| ۱۱- Recurring  | ۳۲- Feedback Value  |

۱۲-	Permanent or Less Transitory	۳۳-	Earnings Informativeness
۱۳-	در مواردی بسیار نادر، از داده‌های بازار نیز برای سنجش پایداری سود استفاده می‌شود.	۳۴-	Conservatism or Timely Loss Recognition
۱۴-	Autocorrelation in Earnings	۳۵-	اگرچه محافظه‌کاری از خصوصیات کیفی اصلی اطلاعات حسابداری نیست اما در برخی کشورها (مانند ایران)، محافظه‌کاری را به عنوان یکی از اجزای خصوصیات کیفی می‌شناسند.
۱۵-	Predictability	۳۶-	Abnormal Accruals
۱۶-	هموارسازی سود نیز یکی از معیارهای کیفیت سود است که در ادامه تشریح خواهد شد. ادبیات موضوعی حاکی از آن است که سودهای هموار شده از کیفیت بالایی برخوردار نیستند.	۳۷-	Abnormal Working Capital Accruals
۱۷-	Earnings Smoothness	۳۸-	Accrual Estimation Errors
۱۸-	Variability	۳۹-	Required Estimates and Judgments as Inverse Measures of Earnings Quality
۱۹-	از دیدگاه نظری، نظریه شرکت در میان نظریه‌های مدیریت سود یک الگوی غالب است (ثقفی و پوریانسب، ۱۳۸۹).	۴۰-	Value Relevance
۲۰-	Non Discretionary Net Income	۴۱-	SEC Accounting and Auditing Enforcement Releases (AAERs)
۲۱-	Benchmarking		

## منابع

- Ball, R. , Kothari, S. and Robin, A. (2000) . The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 29, pp. 1-51.
- Barua, A. (2006) . Using the FASB's Qualitative Characteristics in Earnings Quality Measures, Unpublished PhD Dissertation, *The Graduate Faculty of the Louisiana State University, Department of Accounting*, UMI Number: 3208143.

- Basu, S. (1997) . The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, pp. 3-37.
- Burgstahler, D. and Dichev, I. (1997) . Earnings Management to Avoid Earnings Decreases and Losses, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, pp. 99-126.
- Cornell, B. and Landsman, W. (2003) . Accounting Valuation: Is Earnings Quality an Issue?, *Financial Analysts Journal*, Vol. 59, pp. 20-29.
- Dechow, P. and Dichev, I. (2002) . The Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors, *The Accounting Review*, Vol. 77 (supplementary) , pp. 35-59.
- Dechow, P. , Ge, W. and Schrand, C. (2009) . Understanding Earnings Quality: A Review of the Proxies, Their Determinants and Their Consequences, *Working Paper, Haas School of Business, University of California, Berkeley*.
- Dechow, P. , Richardson, S. and Tuna, I. (2003) . Why Are Earnings Kinky? An Examination of the Earnings Management Explanation, *Review of Accounting Studies*, Vol. 8, pp. 255-384.
- Ecker, F. , Francis, J. , Kim, I. , Olsson, P. and Schipper, K. (2006) . A Returns-based Representation of Earnings Quality, *The Accounting Review*, Vol. 81 (4) , pp. 749-780.
- Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. and Schipper, K. (2004) . Cost of Equity and Earnings Attributes, *The Accounting Review*, Vol. 79 (4) , pp. 967-1010.
- Hayn, C. (1995) . The Information Content of Losses, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 20, pp. 125-153.
- Hunt, A. , Moyer, S. and Shevlin, T. (2000) . Earnings Volatility, Earnings Management and Equity Value, *Working paper, Department of Accounting, University of Washington*.
- Jing, Z. (2007) . Earnings Quality, Analysts, Institutional Investors, and Stock Price Synchronicity, *Unpublished PhD Dissertation, School of Accounting and Finance, The Hong Kong Polytechnic University, UMI Number: 3313068*.
- Jonas, G. and Blanchet, J. (2000) . Assessing Quality of Financial Reporting, *Accounting Horizons*, Vol. 14 (3) , pp. 353-363.
- Leuz, C. , Nanda, D. and Wysocki, P. (2003) . Earning Management and Investor Protection: an International Comparison, *Journal of Financial Economics*, Vol. 69, pp. 505-527.
- Lipe, R. (1990) . The Relation between Stock Returns and Accounting Earnings Given Alternative Information, *The Accounting Review*, Vol. 65 (1) , pp. 49-71.

- McNichols, M. (2002) . Discussion of the Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors, *The Accounting Review*, Vol. 77 (supplementary) , pp. 61-69.
- Penman, S. and Zhang, X. (2002) . Accounting conservatism, the Quality of Earnings and Stock Returns, *The Accounting Review*, 77 (2) , pp. 237-264.
- Schipper, K. and Vincent, L. (2003) . Earnings quality, *Accounting Horizons*, Vol. 17 (supplement) , pp. 97-110.
- Velury, U. (1999) . The Effect of Institutional Ownership on the Quality of Earnings, *Unpublished PhD Dissertation, University of South Carolina, Darla Moore School of Business, UMI Number: 9928350.*